

نقش قبیله خزاعه در حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام و نشر احادیث شیعی *

زهرا حسین هاشمی^۱

اصغر منتظرالقائم^۲

فرشته بوسعیدی^۳

چکیده

برای فهم میراث فرهنگی شیعه، شناخت اصحاب ائمه علیهم‌السلام امری ضروری است. به‌ویژه اصحابی همچون خاندان شیعی خزاعی که نزد اهل بیت علیهم‌السلام از جایگاه خاصی برخوردار بودند و برخی از بزرگان آنان از راویان موثق امامیه به شمار می‌رفتند. بر اساس منابع شیعه، این خاندان تا حد زیادی عهده‌دار نشر آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام بودند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه اصحاب شیعی خزاعی در روایت حدیث، در پی پاسخ به این سؤال است که «راویان خزاعی در نقل احادیث ائمه چه جایگاهی داشته‌اند و نقش آنان در کدام دوره پررنگ‌تر بوده است». برای پاسخ به سؤالات فوق، این فرضیه به آزمون گذاشته شد که: «خزاعی‌ها در سه دوره رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام نقش بارزتری داشته‌اند». یافته‌های تحقیق ضمن اثبات این فرضیه، گوشه‌های دیگری از تلاش‌های رجال خزاعی در گسترش فرهنگ شیعه را به نمایش می‌گذارد؛ ضمن این که نشان می‌دهد هرچند شیعیان و یاران امام علی علیه‌السلام، از مهاجران و انصار، تنها از یک نژاد خاص نبودند و باورهای شیعی آنان بر اساس تقسیمات قبیله‌ای نبود، اما می‌توان بر مبنای برخی شواهد و قراین، به نقش افزون‌تر قبایل یمنی در گسترش تشیع اذعان کرد. در این مقاله سعی شده با استناد به منابع اصلی و با روش توصیفی-تحلیلی، فعالیت خزاعی‌ها در نشر احادیث شیعه تبیین شود.

کلید واژگان: قبیله خزاعه، راویان حدیث، شیعه، ائمه علیهم‌السلام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ / مقاله پژوهشی

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) / Hashemizhra30@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران / montazer@ltr.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران / fboosaidi@yahoo.com

کیفیت حیات سیاسی - اجتماعی قبایل عرب در جزیره العرب از بنیان‌های تاریخ‌نگاری اعراب در دوران قبل و بعد از اسلام به شمار می‌آید؛ از این رو بازشناسی نقش قبایل عرب در تاریخ تحولات اسلام و نیز در گسترش و تثبیت اسلام در شبه‌جزیره عرب و آگاهی و شناخت پیشینه آنان می‌تواند روشنگر بسیاری از زوایای تاریک تاریخ اسلام و نیز جریان‌شناسی فکری و فرهنگی مسلمانان باشد. ناگفته پیداست که ظهور اسلام و شعارهای آرمانی‌اش رویکرد جدیدی را در میان قبایل عرب بنیان نهاد و سبب شد این قبایل یا با رغبت یا با شدت و حدت سر تسلیم در برابر آن فرود آورند.

هدف این تحقیق بررسی نقش یکی از قبایل یمنی به نام خزاعه است؛ لذا ابتدا حیات سیاسی، اجتماعی آن‌ها در آستانه ظهور اسلام را مورد نظر قرار داده و سپس فعالیت آن‌ها در نشر احادیث شیعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت درباره قبیله خزاعه تاکنون تحقیقات سودمندی از سوی پژوهشگران انجام شده است. یکی از منابع مهم، کتاب «نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام در قرن اول هجری» تألیف اصغر منتظرالقائم (۱۳۸۰) است درباره اسلام آوردن قبایل یمنی از جمله خزاعه و چگونگی گرایش آن‌ها به تشیع. یکی دیگر از منابع مهم کتاب «نقش قبیله خزاعه در تغییرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی جهان اسلام تا سال ۶۰ هجری» می‌باشد.

در میان مقالات به نگارش درآمده، زهرا حسین هاشمی و دیگر مؤلفان در مقاله «قبیله خزاعه و نقش سیاسی، اجتماعی آن در آغاز گسترش اسلام» (۱۳۹۹) نقش خزاعه در قبل و بعد اسلام را مورد بررسی قرار داده است. وی همچنین در مقاله‌ای با عنوان «نقش سیاسی - نظامی کنشگران قبیله خزاعه در دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام



علی علیه السلام (۱۳۹۷) جایگاه این قبیله را در رویدادهای سیاسی - نظامی مورد بررسی قرار داده است.

باید توجه داشت آثار فوق عمدتاً مباحث سیاسی، نظامی را مورد توجه قرار داده‌اند. اما این پژوهش با نگاهی متفاوت از تحقیقات قبل و نیز با مراجعه به متون تاریخی، نقش قبیله خزاعه را در گسترش علوم و معارف شیعی و در حمایت از اهل بیت علیهم السلام مورد بررسی قرار می‌دهد.

به طور کلی خزاعی‌ها در پیشبرد و اعتلای علوم اسلامی سهم بسزایی داشته‌اند. بسیاری از راویان، محدثان، مورخان، ادیبان، فقها و قاضی‌های منتسب به این قبیله بودند. همچنین بسیاری از نخبگان خزاعی به جایگاه والای علمی دست یافتند و نقش مهمی در گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام ایفا کردند و برخی از آن‌ها از خواص و یاران برجسته اهل بیت علیهم السلام شدند. حضور مستمر خزاعی‌ها در بین اصحاب ائمه علیهم السلام در دوره‌های مختلف و تألیف کتب در حوزه روایات شیعه از مهمترین اقداماتی است که خزاعی‌ها در نشر معارف شیعه انجام داده‌اند.

نسب‌شناسی قبیله خزاعه

قبیله خزاعه یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین قبایل عرب قحطانی (اندلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۰۹) یا جنوبی (یمنی) است که در بخشی از یمن سکونت داشتند. این قبیله به دنبال ویرانی نسبی تمدن مأرب و بر اثر تغییر اوضاع و شرایط زیست‌محیطی، از موطن اصلی خود به همراه قبیله اصلی خود (ازد) مهاجرت کردند. هنگامی که تیره‌های مختلف ازد به قصد مهاجرت به شام حرکت کردند، خزاعی‌ها از همراهی با سایر ازدی‌ها امتناع کرده و از قبیله اصلی‌شان جدا شدند و در اطراف مکه و تهامه در بطن مرّالظهران سکنی گزیدند (همدانی، ۱۹۸۹، ۳۲۷).





لذا بنا بر قرائن موجود، بنی خزاعه را از فرزندان ربیعہ و اَفْصی پسران حارثه بن عمرو بن عامر بن حارثه بن امریء القیس بن ثعلبه بن مازن بن اُزد بن عوث بن نبت بن مالک بن زید بن کهلان بن سبأ بن یثُجُب بن یعرب بن قحطان دانسته‌اند (ابن کلی، ۱۹۳۹، ۱۱۶/۲؛ قلقشندی، ۱۴۱۱ق، ۲۴۴؛ کحاله، ۱۴۱۴ق، ۳۳۸/۱). این قبیله دارای شاخه‌های زیادی است که مهمترین آن‌ها عبارتند از: کعب، سعد، سلول، عدی، حِزمر، حُبَیْه، حُلَیل، قُمَیر، مُلَیح، مَصلُوق و اسلم (ابن کلی، ۱۹۳۹، ۱۲۰/۲).

اوضاع مذهبی و روابط سیاسی خزاعه پیش از اسلام

خزاعی‌ها بر اثر سیل عرم و شکسته شدن سد مأرب در یمن به سمت شمال جزیره‌العرب مهاجرت کردند و در اطراف مکه اقامت گزیدند. (شراب، ۱۴۱۱ق، ۱۰۸؛ کحاله، ۱۴۱۴ق، ۳۳۸/۱). پیش از اسلام، جُرهْمِیان سال‌ها بر مکه تسلط داشتند و امور کعبه را اداره می‌کردند. تیره‌ای از خُزاعه به نام غبشان، با قبیلهٔ بنی بکر که از کنانه و قبایل عربستان شمالی بودند، از ضعف و فساد جرهم و نارضایتی فرزندان اسماعیل، استفاده کردند و شهر مکه را از دست جرهمیان درآوردند (ابن هشام، ۱۴۱۸ق، ۱/۲۴۵). نخستین کسی که از خزاعه عهده‌دار تولیت کعبه شد، عمرو بن لُحی بود که دین ابراهیم و اسماعیل را تغییر داد و آیین بت‌پرستی را در میان عربان رایج گردانید (ابن کلی، ۱۹۲۴، ۸). به نقل مسعودی، خزاعه سیصد سال و به روایت اغراق‌آمیز ازرقی پانصد سال (ازرقی، ۱۲۷۵، ۵۹/۱) حکومت بر مکه و حجاب کعبه را در دست داشتند. یکی از موضوعاتی که قبیلهٔ خزاعه در روزگار جاهلیت به آن توجه و افتخار می‌کرد این بود که در کنار قریش و کنانه، جزو قبایل معروف به حُمس یا اهل حرم محسوب می‌شد که در موسم حج از امتیازات خاص بهره‌مند بود (ازرقی، ۱۲۷۵، ۱۲۳/۱).

خزاعه در دوران حیات رسول الله ﷺ

عده‌ای از خزاعی‌ها، افتخار انتساب و خویشاوندی با رسول خدا ﷺ را یافتند (یعقوبی، ۱۳۵۸، ۹۸/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۵۵۳/۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۵۳/۱). آنان از طریق پیمانی که عبدالمطلب با آنان بسته بود، با بنی‌هاشم رابطه داشتند و به این پیمان وفادار ماندند و خیرخواه رسول خدا ﷺ بودند (بحثل، ۱۴۰۶ق، ۱۶۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ۲۶۸/۲).

بنی‌خزاعه همانند سایر بطون و قبیله‌ها در برابر اسلام دو جبهه متفاوت اختیار کردند؛ در یک سو سران و اشرافشان قرار داشتند که در ابتدا ایمان نیاوردند و همگام با دیگر بزرگان قریش در مقابل رسول الله ﷺ ایستادگی کردند و برای حفظ جایگاه خود به دشمنی با اسلام ادامه دادند. این گروه تا زمان غزوهٔ مریسح (سال پنجم هجری) تسلیم نشدند. در این میان رسول الله ﷺ در توسعهٔ روابط بین قبایل نقش بسزایی داشت و اقدامات ارزنده‌ای در این خصوص انجام داد. ایشان با ارسال نامه و اعزام سفیر به رهبران قبایل، موفقیت چشم‌گیری به دست آورد. از جمله این که خزاعه در غزوات و سرایای مختلف رسول الله ﷺ را یاری رساندند و بخشی از پیروزی‌های اسلام در صحنه‌های سیاسی و نظامی مرهون فداکاری و تلاش آن‌ها بوده است. نهایتاً پیروزی‌های مکرر سپاه اسلام، غزوهٔ مریسح (عسقلانی، بی‌تا، ۳۳۲/۷)، صلح حدیبیه (واقعی، ۱۴۰۹ق، ۵۷۲/۲)، درهم‌شکسته شدن قدرت قریش، رفتار رسول خدا ﷺ با خزاعی‌ها و اسیرانشان، ازدواج با جویریّه (ابن قتیبه، ۱۹۹۲، ۱۳۸) و نوشتن نامه به سران آن‌ها (حمیدالله، ۱۳۷۴، ۳۳۱-۳۳۰) در تسلیم شدن سران و اشراف بنی‌خزاعه نقش بسزایی داشت. در نهایت خزاعی‌ها از مهمترین اسباب و عوامل فتح مکه بودند و در کنار سایر قبایل، نقش دفاع از اسلام را بر عهده گرفتند.



راویان شیعی خُزاعی

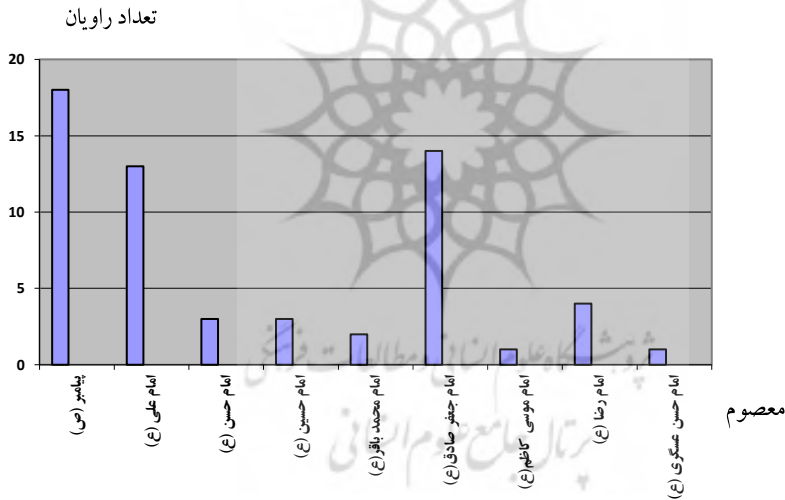
خزاعی‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی در بین راویان شیعی حضور داشته‌اند. بر پایه گزارش رجالیان شیعه، در بین اصحاب پیامبر ﷺ ۱۸ نفر، اصحاب حضرت علی علیه السلام ۱۳ نفر، امام حسن علیه السلام ۳ نفر، امام حسین علیه السلام ۳ نفر، امام باقر علیه السلام ۲ نفر، امام جعفر صادق علیه السلام ۱۴ نفر، امام موسی کاظم علیه السلام ۱ نفر، امام رضا علیه السلام ۴ نفر از راویان خزاعی حضور دارند. اسلمی‌ها نیز که شاخه‌ای از خزاعه هستند نقش مؤثری در انتقال میراث حدیثی شیعی داشته‌اند.

۱۰۲



سال سوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۳

تعداد راویان خزاعی در نشر احادیث

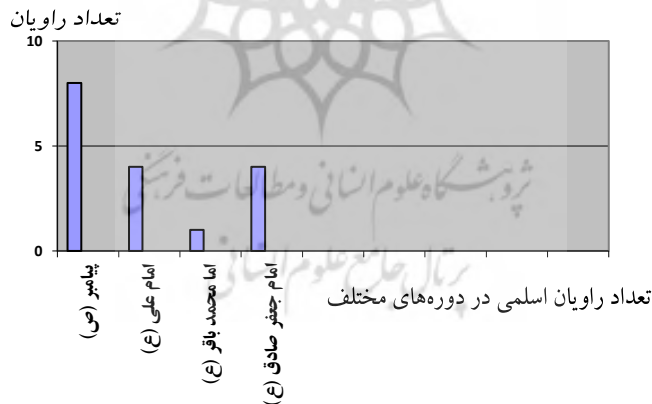


دوره	راویان حدیث خزاعی
دوره پیامبر اکرم ﷺ	أقرم بن زید خزاعی؛ ابوعبدالله بدیل بن ورقاء خزاعی؛ ابوعبدالله أمیه بن مخشی خزاعی؛ أسماء بن حارثه أسلمی؛ جرهد أسلمی؛ حارث بن ضرار خزاعی؛ سلیمان بن صرد خزاعی؛ عمران بن حصین خزاعی؛ محمد بن بدیل ورقاء خزاعی؛ أدرع أسلمی؛ عمرو بن حارث بن مصطلق؛ جویریہ بنت حارث؛ بشیر أسلمی؛ زاهر أسلمی؛ مرداس أسلمی؛ حارثه بن وهب خزاعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۹-۲۴). بریده بن حصیب أسلمی؛ نضله بن عبید أسلمی (برقی، ۱۳۸۳، ۳-۲).
دوره امام علی علیه السلام	عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی؛ عبید بن نضله خزاعی؛ بریده بن حصیب أسلمی؛ زید بن حصین أسلمی؛ سلیمان بن صرد خزاعی؛ سلمه بن أکوع أسلمی؛ عمران بن حصین خزاعی؛ عبدالرحمان بن بدیل بن ورقاء خزاعی؛ عقیل خزاعی؛ محمد بن بدیل ورقاء خزاعی؛ معاذ بن عمرو بن حمق؛ نضله بن عبید أسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۸۳-۵۸). عمرو بن حمق خزاعی (برقی، ۱۳۸۳، ۴).
دوره امام حسن علیه السلام	سلیمان بن صرد خزاعی؛ عمرو بن حمق خزاعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۹۵-۹۴)؛ عمران بن عبدالله خزاعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۳).
دوره امام حسین علیه السلام	عمران بن عبدالله خزاعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۳)؛ حماد بن حماد خزاعی (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۳۴۱/۲)؛ زاهر صاحب عمرو بن حمق (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۱).
دوره امام محمد باقر علیه السلام	بشار أسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۸)؛ نضر بن قراوش خزاعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۸).
دوره امام صادق علیه السلام	حذیفه بن منصور خزاعی (برقی، ۱۳۸۳، ۴۵)؛ عبدالخالق بن دینار خزاعی؛ محمد بن عذافر بن عیشم خزاعی (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲۸۰/۱۶)؛ محمد بن نضله خزاعی؛ عذافر بن عیشی خزاعی؛



بریده بن حصیب أسلمی؛ سعید بن سفیان أسلمی؛ أسید بن عیاض خزاعی؛ عید بن سفیان أسلمی؛ أسید بن عیاض خزاعی؛ أسعد بن عمرو أسلمی؛ عمر بن دینار خزاعی؛ محمد بن خالد خزاعی؛ محمد بن بشر أسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۸۰-۱۶۵)؛ محمد بن بشر أسلمی (برقی، ۱۳۸۳، ۲۰).	
احمد بن فضل خزاعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۳۲).	دوره امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>
دعبل بن علی (کشی، ۱۳۴۸، ۵۰۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۰۲)؛ محمد بن منصور نصر خزاعی (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲۷۶/۱۷)؛ احمد بن منصور نصر خزاعی (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۳۴۱/۲)؛ علی بن علی بن رزین خزاعی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۷۶).	دوره امام رضا <small>علیه السلام</small>
علی بن جعفر بن عباس خزاعی (علامه الحلی، ۱۴۱۱ق، ۲۳۳).	دوره امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>

راویان حدیث خزاعی در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه



همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، بیشترین حجم کمی و کیفی رجال شیعی خزاعی، مربوط به دوره پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که رجالیون

شیعه از جمله شیخ طوسی و ابوخلد برقی به ذکر نام و موقعیت این افراد پرداخته‌اند (برای نمونه رک. طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۶-۲۴ و ۲۹؛ برقی، ۱۳۸۳، ۴ و ۴۵).

راویان خزاعی در دوره رسول الله ﷺ

یکی از افتخارات مهم قبیله خزاعه افزون بر حضور سیاسی- نظامی و اقتصادی، رجال علمی و فرهنگی و مذهبی هستند که بسیاری از آن‌ها از صحابه مشهور و راویان حدیث اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آیند.

در ادامه به معرفی این افراد در سه دوره اصلی که فعالیت بیشتری داشته‌اند می‌پردازیم.

۱. **أقرم زید خزاعی:** وی که از قبیله خزاعه بود، کنیه‌اش «ابوعبدالله» است (سمعانی، ۱۳۸۲، ۳۵۸/۲). به جز گزارش شیخ طوسی که او را در زمره اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داده (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۴)، دیگر منابع متقدم شیعی گزارشی از وی ثبت نکرده‌اند. در منابع اهل سنت نیز به عنوان صحابی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی شده که دارای روایت است. (نک. ابن حبان، ۱۳۹۳ ق، ۱۴/۳) در برخی منابع، نام وی "ارقم" نیز ثبت شده که با در نظر گرفتن تعدد منابعی که نامش را "أقرم" ضبط کرده‌اند، می‌توان ضبط دوم را صحیح دانست (نک. امین، ۱۳۷۱ ق، ۳/۴۷۱). با توجه به این که درباره وضعیت او اطلاعی در دست نیست، در زمره افراد مجهول قرار گرفته است (جوهری، ۱۴۲۵ ق، ۷۵). اجمالاً حضور وی در بین اصحاب و روایتش از حضرت اثبات شده اما درباره وضعیت رجالی‌اش اظهارنظری نشده است.

۲. **بدیل بن ورقاء خزاعی، ابوعبدالله:** ابوعبدالله (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۹) از اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که اندکی پیش از فتح مکه اسلام آورد و همراه پسرش در غزوات حنین، طائف و تبوک شرکت کرد. بدیل در میان قبیله خود شخصیت مهمی به شمار می‌رفت؛ از این رو در جریان حدیبیه برای مذاکره با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از



سوی قریش مأموریت یافت (مجلسی، ۱۳۸۵، ۳۳۱/۲۰). عده‌ای از روات و علما و شعرا نامدار از نسل بدیل بوده‌اند که بعضی از ایشان به افتخار این انتساب، لقب بدیلی یافته‌اند (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱، ۳/۱۵۳).

۳. أمیه بن مخشی خزاعی، ابو عبدالله: امیه را به قبیله خزاعه نسبت داده‌اند و گفته‌اند کنیه‌اش «ابو عبدالله» بوده و از یاران رسول خدا ﷺ است که در بصره ساکن شد (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۹) و نسل او در بصره باقی ماند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۹). نواده او مثنی بن عبدالرحمان است که حدیثی از رسول خدا ﷺ در آداب و ذکر یاد و نام خدا هنگام غذا خوردن نقل کرده است: «جدم أمیه بن مخشی که از اصحاب رسول خدا ﷺ بود، گوید: آن حضرت مردی را دید که غذا خورد و بسم الله گفت، مگر در لقمه آخر که گفت: «بسم الله اوله و آخره». رسول خدا ﷺ فرمود: «ما زال الشیطان معہ حتی سمی فلم یبقی فی بطنه شیء الا قاءه» (ابو داوود، ۱۴۱۰ق، ۲۰۲/۲). «شیطان با او هم غذا بود تا اینکه بسم الله گفت و وقتی بسم الله گفت، آنچه را خورده بود بالا آورد». او را در شمار کسانی آورده‌اند که در کتب سنن از رسول خدا ﷺ روایت نقل کرده و به استناد همین یک روایت، او را در شمار صحابی آورده‌اند (دانشنامه سیره نبوی، ۱۳۸۹، ۱/۱۳۲).

۴. أسماء بن حارثه أسلمی: وی از تیره بنو مالک بن أفضی، از قبیله أسلم (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۶) از قبیله خزاعه است که در مدینه ساکن شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۱/۳۸۵). از وی در شمار اهل صفة یاد شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۴۰). وی شتران پیامبر را به چرا می برد و برای همسران حضرت از چاه سقیا آب می آورد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۱/۳۹۱). او از راویان حدیث رسول الله ﷺ بود و یحیی بن هند، برادرزاده‌اش از او روایت کرده است (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۳، ۲/۳۲۵). یکی از روایت‌های او این است که می گوید: «بر پیامبر ﷺ وارد شدم. آن حضرت فرمود: روزه داری؟ گفتم: نه.

فرمود: روزه بگیر. گفتم: چاشت خورده‌ام. فرمود: نیت روزه کن و بقیه را روزه بگیر و به قوم خود نیز بگو این روز را روزه بگیرند. او می‌گوید کفش‌های خود را شتابان پوشیدم و به میان قوم خود رفتم و گفتم فرمان داده شد که بقیه روز را روزه بگیرید» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۴۰).

وفات او را در سال ۶۶ هجری، در سن هشتاد سالگی در بصره دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۴۰).

۵. بریده بن حصیب أسلمی: بریده فرزند حصیب بن عبدالله بن حارث اسلمی بود. کنیه‌اش را «ابوعبدالله» یا «ابو سهل» یا «ابوالحصیب» و «ابوساسان» گفته‌اند. برخی نام او را عامر می‌گویند و معتقدند که بریده لقب اوست. او از أسلمی‌ها، تیره‌ای از خزاعه است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۱۸۲) که یکی از اصحاب رسول الله ﷺ و از سابقین در اسلام بوده و در جنگ‌های رسول الله ﷺ و نیز در صلح حدیبیه شرکت داشت و در فتح مکه و در سپاه اسامه بن زید پرچمدار بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۱۸۲). وی می‌گوید: در شانزده غزوه با رسول الله ﷺ بودم و در جنگ خیبر لباس سرخی به تن داشتم و جانانه جنگیدم تا توجه دیگران را به جایگاه خود جلب کنم و اکنون برای خود گناهی بزرگ‌تر از آن خودنمایی و شهرت‌طلبی نمی‌شناسم.

بریده در زمان خلافت عمر، فرمانروای «نوبه سرخ»^۱ بود. وی در فتح خراسان و دیگر شهرهای ایران در زمان خلافت عثمان جزو مجاهدان سپاه اسلام بود و پس از گسترش اسلام به تمام نواحی ایران، در شهر مرو از توابع خراسان ساکن شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۱۸۴).

او پس از رحلت رسول گرامی ﷺ همواره از ارادتمندان و حامیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان رسالت بود و پس از قتل عثمان در زمره کسانی قرار گرفت که با

۱. محلی در مزر شام در منطقه تبوک که از مدینه تا آن جا سه روز راه فاصله داشت.

حضرت علی علیه السلام تا پای جان بیعت کردند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۱/۴۱۸) او معتقد به خلافت بلافضل امیرمؤمنان علیه السلام بود و در جنگ صفین حضور داشت و در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام مجاهدت کرد. بریده در تمام شرایط طاقت فرسایی که پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله بر علی بن ابی طالب علیه السلام و اولاد معصومش گذشت، ثابت قدم ماند و از حمایت و فداکاری دریغ نکرد.

منزلت والای این صحابی بزرگ نزد رجالیون سنی روشن است. بیشتر علمای شیعی نیز به تشیع و وثاقت او گواهی داده‌اند. بریده از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده و راویان او عبارتند از: سلیمان و عبدالله، ابن عباس، عبدالله بن موله، عامر شعبی و دیگران. اینان بیش از ۱۵۰ حدیث از وی نقل کرده‌اند که در "مسند" احمد بن حنبل و "صحیح" مسلم و بخاری آمده است.

بریده از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که: «هر کس من مولای اویم، علی علیه السلام مولای اوست. خدایا دوست بدار کسی را که او دوست بدارد دشمن بدار کسی را که او را دشمن بدارد» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ۱/۲۱۱).

در حدیثی که پسرش عبدالله از او نقل کرده گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کدام از یارانم که در سرزمینی بمیرند، روز قیامت راهبر و نوری برای مردم آن سامان باشند» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ۱/۲۱۰).

۶. جرهد اُسلمی: وی از تیرهٔ سلامان بن اُسلم از قبیلهٔ خزاعه است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۸) که پیش از فتح مکه اسلام آورد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۲۳). بیشتر منابع او را از اهل مدینه شمرده‌اند (ابو نعیم، ۱۴۱۹ق، ۲/۶۲۲). نام وی در شمار کسانی آمده که هشت حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند (ابن حزم، ۱۴۱۲ق، ۱۷۲). پسران و نواداهش راویان او هستند (مزّی، ۱۴۱۴ق، ۴/۵۲۴). وی همراه عبدالله بن سعد در فتح آفریقا شرکت کرد، ولی اهل مصر روایتی از او نقل نکرده‌اند (ابن یونس، ۱۴۲۱ق، ۸۷). او

خانه‌هایی در مدینه در کوچه حنین داشت. همچنین او را از افراد شریف و از اصحاب صفه دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۲۳).

جرهد آسلمی از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «من پارچه‌ای بر تن داشتم و رانم عریان شده بود. پیامبر ﷺ از کنارم گذشت و گفت: رانت را بپوشان، زیرا ران از اعضای پوشیدنی بدن است» (شیخ امینی، ۱۳۶۹، ۱۸/۱۵۲).

۷. حارث بن ضرار خزاعی: حارث فرزند ابی ضرار حبیب بن حارث، از بنو

مطلق، تیره‌ای از قبیله خزاعه است (ابن کلبی، ۱۹۳۹، ۲/۱۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۶) وی پیش از اسلام در شمار دشمنان اسلام قرار داشت و با ابوسفیان هم‌پیمان بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۷۴). او پس از غزوهٔ مریسج به همراه دو پسرش اسلام آورد (ذهبی، بی‌تا، ۱/۱۰۲). در منابع برای وی دو پسر و دو دختر ذکر شده که همگی در شمار صحابه‌اند (دانشنامه سیره نبوی، ۱۳۸۹، ۱/۴۴۶). عمرو یکی از پسران او (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴ق، ۱۸۰) و جویریة همسر رسول الله ﷺ و عمّره دو دختر اویند (طبرانی، بی‌تا، ۲۴/۴۲). از حارث بن ضرار خزاعی روایتی از پیامبر ﷺ در خصوص پرداخت زکات ذکر شده است (طباطبایی، بی‌تا، ۱۸/۴۷۵).

۸. حارثه بن وهب خزاعی: حارثه از صحابیان ساکن در کوفه از قبیلهٔ خزاعه

بود (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۷).

۹. سلیمان بن صرد خزاعی: کنیهٔ وی «ابومطرف» بود. او مردی فاضل و

بخشنده، متدین و متعبد و از اصحاب رسول خدا ﷺ بود. در جاهلیت نام او یسار بود که رسول خدا ﷺ آن را به سلیمان تغییر داد. وی پس از تأسیس کوفه در آن جا ساکن شد و از بزرگان شیعهٔ کوفه به حساب آمد (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴؛ براقی نجفی، ۱۴۰۷ق، ۴۹۱) و در قیام توابین به شهادت رسید (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ۳/۱۰۳). وی در

زمان امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل حضور نداشت و جزء قاعدین از جنگ به حساب می آید (ابن ابی الحدید، بی تا، ۱۰۵/۳).

سپس به کوفه آمد و در محله خزاعه خانه‌هایی ساخت و در جنگ صفین همراه علی علیه السلام بود. او از آنان بود که برای حسین علیه السلام نامه نوشتند و خواستند به کوفه آید ولی هنگامی که حسین علیه السلام به کوفه آمد از او کناره گرفتند و با او همراه نبودند. چون حسین علیه السلام کشته شد آنان از یاری ندادن او پشیمان شدند و از آن کار توبه کردند و از کوفه بیرون آمدند و قیام توابین را به راه انداختند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۱۹). سلیمان به اندازه‌ای در تشیع شهرت داشت که جزء رؤسای شیعه محسوب می شد (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱، ۹/۲۷۵). او از پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام و جبیر بن مطعم روایت کرده و از راویان او می توان به ابواسحاق سبیعی، عدی بن ثابت، عبدالله بن یسار، یحیی بن یعمر اشاره کرد (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۲۷).

۱۰. عمران بن حصین: ابونجید خزاعی (متوفی ۶۷۳ق) از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله است که همزمان با پدرش حصین بن عبید بن خلف و ابوهریره در سال هفتم هجرت مسلمان شد و پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله از خلافت امیرمؤمنان علیه السلام حمایت کرد و از نخستین کسانی بود که به آن حضرت روی آوردند. روایاتی از طریق او درباره خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه رسیده است. وی در غائله جمل ابتدا با طلحه و زبیر گفتگو کرد و آن‌ها را از نقض بیعت و مخالفت با علی علیه السلام بر حذر داشت و نیز به عایشه اعتراض نمود؛ اما در هیچ یک از دو جبهه جنگ شرکت نمود و کناره‌گیری کرد و در سایر جنگ‌های علی علیه السلام شرکت نداشت.

جمعی از محدثان هم چون زراره بن اوفی و حسن بصری و ابن سیرین و عبدالله بن بریده و شعبی و بکر بن عبدالله مزنی از او حدیث گفته‌اند (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱، ۴۷۳/۱۱ - ۴۷۲).

بعضی از مردم عمران بن حصین را از شیعیان پنداشته‌اند (احمد عطوان، بی تا، ۲۱). وی همچنین از جمله قاعدین و متخلفان جنگ تبوک بود که رسول الله ﷺ برای تنبیه وی و همراهانش به مردم دستور داد با آن‌ها سخن نگویند (تستری، ۱۴۱۰ق، ۸/ ۵۸۳-۵۸۲). او از خلافت ابوبکر ناراضی بود. ابن شهر آشوب می‌گوید: «او با بریدهٔ اسلمی نزد خلیفه آمدند و به او یادآوری کردند که تو همان کسی هستی که در ماجرای غدیر خم، به علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان علیه السلام سلام دادی» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۶۶).

وی از جمله کسانی است که حدیث غدیر از او نقل شده است (ابن طاووس، بی تا، ۳۰۵). همچنین در دوران عثمان بن عفان از طرف عبدالله بن عامر فرماندار بصره برای قضاوت فراخوانده شد اما پس از مدتی کوتاه قضاوت را ترک کرد و هرگز به سوی آن نرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۴/ ۲۱۶).

۱۱. محمد بن بدیل بن ورقاء خزاعی: از اصحاب رسول الله ﷺ بود که با برادرش عبدالله در نبرد صفین شهید شدند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ۳۰/ ۴۶۳؛ امینی، بی تا، ۹/ ۳۶۸). وی ساکن کوفه بود (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۹).

۱۲. نضله بن عبید، یکنی ابابرهه اسلمی: نسب شناسان و محدثان دربارهٔ نام و نسب ابوبرزه اختلاف داشته، نام وی را نضله، عبدالله، عبیدالله و خالد و نام پدرش را عبید، عبیدالله، عبدالله، عائذ و نضله گفته‌اند. به هر روی، نام و نسب وی را بیشتر نضله، فرزند عبید بن حارث بن حبال اسلمی از تیرهٔ بنو سلامان از قبیلهٔ اسلم از قبیلهٔ خزاعه دانسته‌اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۶۲/ ۹۰).

ابوبرزه قامتی متوسط و چهره‌ای گندمگون (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۶۲/ ۸۹) داشت. او جاهلیت را درک کرد و از ایمان آورندگان نخستین بود و با ابوبکر پیمان برادری داشت (دانشنامه سیره نبوی، ۱۳۸۹، ۱/ ۱۴۶). در جنگ‌های احد، خیبر، فتح مکه و حنین



دارد که سعید احمد بن ابی سعید آن را نقل کرده (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۱/۷۳). در بین منابع شیعی، شیخ طوسی نیز از وی با عنوان صحابی حضرت رسول ﷺ یاد کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۶).

۱۴. جویریة بنت الحارث: وی هنگام رحلت رسول خدا ﷺ زنده بود و از آن حضرت، فرزندی نداشت. سرانجام در سال ۵۰ و به قولی در سال ۵۶ و به قولی ۵۷، در عصر حکومت معاویه بن ابی سفیان در مدینه وفات یافت. مروان بن حکم بر پیکر او نماز خواند و در قبرستان بقیع، در کنار سایر همسران رسول خدا ﷺ دفن گردید (شوکانی، ۱۹۷۳، ۱۵۰/۸).

علاوه بر کسانس که نامشان آمد می توان به صحابه دیگری از جمله بشیر اسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۸)، زاهر اسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۹) و مرداس اسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۷) نیز اشاره کرد که شیخ طوسی از آن ها به عنوان صحابه پیامبر ﷺ یاد کرده است.

نقش خزاعی ها در دوره امام علی (ع)

خزاعی ها طرفدار امیرمؤمنان (ع) بودند. آنان در موقعیت های مختلف، شایستگی های امام را برای خلافت در حضور مردم بیان می کردند و به وصایت امیرمؤمنان (ع) نیز معتقد بودند. بدین سان بعد از قتل عثمان برای فراهم کردن زمینه خلافت و روی کار آمدن امام بسیار کوشیدند. در حقیقت، این همدلی و همراهی خزاعه و مردم بومی مدینه و سایر قبایل بود که زمینه بیعت امام را فراهم کرد. حمایت و طرفداری یمینان به ویژه قبیله خزاعه نه تنها در دوره رسول الله ﷺ بلکه در دوره امام علی (ع) و شادمانی آن ها از بیعت با ایشان و نامبرداری شان به شیعه علی (ع) نیز وجود داشت. تشیع در میان خزاعی ها تفکر غالب بود و بسیاری از بزرگان خزاعه در شمار یاران امیرمؤمنان (ع) بودند.



از جمله مهاجران خزاعی که با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کرده‌اند، عمرو بن حمق خزاعی، سلیمان بن صرد خزاعی، محمد بدیل خزاعی و عبدالله بن بدیل خزاعی و بریده بن حصیب اسلمی هستند (شیخ مفید، ۱۴۱۶ق، ۱۰۴).

علاوه بر این می‌دانیم که کارگزاران امام علی علیه السلام در گسترش تشیع در مناطق تحت حاکمیت خود تأثیر بسزایی داشتند. آن گونه که محسن امین در "اعیان الشیعه" می‌گوید: «والیان علی علیه السلام هر جا رفتند ساکنان آنجا شیعه می‌شدند» (امین، بی‌تا، ۱/ ۲۵) در این میان افرادی از قبیله خزاعه شایستگی استانداری را در حکومت علی علیه السلام به دست آوردند و بذر تشیع را در این سرزمین‌ها پراکندند. فهرست کارگزاران امام علی علیه السلام از قبیله خزاعه به شرح زیر است:

کارگزاران خزاعی امام علی علیه السلام

نام شهر	نام کارگزار
آذربایجان	سعد بن حارث خزاعی (امین، بی‌تا، ۱/ ۲۵)
جبل	سلیمان بن صرد خزاعی (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۴/ ۱۶۶)
خراسان	عبدالرحمان بن ابزی خزاعی (بلاذری، ۱۹۸۸، ۳۹۵)
ماهان، دینور و نهاوند	عبدالرحمان بن بدیل خزاعی (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ۲/ ۴۴۸)

از دیگر افتخارات خزاعی‌ها حضورشان در نبرد جمل و صفین و یاری رساندن به حضرت علی علیه السلام است. البته در نبرد جمل با دو چهره متفاوت از قبیله خزاعه مواجهیم؛ عمرو بن حمق (فرمانده پیادگان)، عمران بن حصین و عبدالله بن زید خزاعی (فرمانده سواران) (شیخ مفید، ۱۴۱۶ق، ۳۲۰) که از خواص شیعیان فداکار در دفاع از امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام باقی ماندند و گروه دیگری که به رهبری عبدالله بن خلف خزاعی (دینوری، ۱۹۶۰، ۱۴۷) در جبهه ناکشین حضور یافتند.

به هر حال همکاری خزاعی‌ها با امام علی علیه السلام نشان از این دارد که زمینه تشیع در این خاندان یمنی به تدریج فراهم شده است. به گونه‌ای که محسن/امین معتقد است: «خزاعی‌ها به تشیع شهرت داشته‌اند» (امین، بی تا، ۵۵/۳) و حضور آن‌ها با معیار دینی و عقیدتی بود و مسائل قبیله‌ای در آن کمرنگ بود.

چنان که گفتیم بسیاری از خزاعیان با مقامات عالی فرماندهی در جنگ صفین در رکاب حضرت علی علیه السلام جنگیدند. از آن میان ریاست کل خزاعه با عمرو بن حمق خزاعی بود (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ۵۴۳/۲). عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی و سلیمان بن سرد خزاعی فرمانده پیادگان سپاه حضرت علی علیه السلام بودند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ۵۲۴/۱). بنابراین خزاعه یکی از قبایل وفادار و پیرو امام علی علیه السلام بود که در تمام مراحل این پیکار سرنوشت‌ساز با قدرت و مقاومت بسیار در برابر سپاه شام ایستاد. خزاعی‌ها همان‌گونه که در جنگ جمل و صفین و در دفاع از حقانیت و خلافت در کنار امیر مؤمنان علیه السلام بودند، در نبرد نهروان نیز حضور چشم‌گیری داشتند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۱۱۷۳/۳). آنان با امیر مؤمنان علیه السلام رابطه و تعامل خوبی داشتند و تا آخر از خلافت آن حضرت در مقابل دشمنانش حمایت کردند. از سوی دیگر، امیر مؤمنان علیه السلام نیز پشتیبان و مدافع خزاعی‌ها بود.

راویان خزاعی در دوره حضرت علی علیه السلام

۱. عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی: وی صحابی گران قدر رسول الله صلی الله علیه و آله و از سران خزاعه به شمار می‌رود که همزمان با پدر خود بدیل، روز فتح مکه یا اندکی پیش از آن اسلام آورد و ملازم رسول الله صلی الله علیه و آله گردید. او پس از فتح مکه در غزوات حنین، طائف و تبوک شرکت کرد و در شمار یاران امیر مؤمنان علیه السلام در آمد که در دفاع از حریم ولایت موافق مشهوری دارد و از راویان حدیث ولایت به شمار آمده است. وی در جنگ صفین از بزرگان سپاه امیر مؤمنان علیه السلام بود و خطبه‌ای بلیغ در اثبات





حقانیت آن حضرت و بطلان ادعای معاویه القا کرد، سپس شجاعانه جنگید تا به شهادت رسید. روایت شده در آن روز عبدالله دو زره پوشیده بود و با دو شمشیر می‌جنگید تا به معاویه رسید، او را از جای برداشت و یارانش را پراکنده ساخت ولی آن‌ها باهم اتفاق کردند که او را سنگ‌باران نمایند و تیرها و شمشیرها بر او ریختند تا شهید شد (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱، ۱۱/۸۲).

۲. عمرو بن حمق خزاعی: عمرو از شخصیت‌های برجسته در زمان پیامبر ﷺ

است که بعد از صلح حدیبیه به مدینه آمد و مسلمان شد و به قولی در حجة الوداع (سال دهم) اسلام آورد. او که احادیث بسیاری از پیغمبر ﷺ حفظ کرده بود، در شام سکونت داشت و سپس به کوفه منتقل شد. جبیر بن نصر و رفاعه بن شداد و غیر این دو از وی حدیث روایت کرده‌اند و گفته‌اند او یکی از چهار نفری بود که وارد خانه عثمان شد و او را کشت. سپس از شیعیان علی علیه السلام شد و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان در رکاب او جنگید (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۲/۵۱۶). وی از جمله کسانی است که حدیث غدیر از او نقل شده است (ابن طاووس، بی‌تا، ۳۰۵).

عمرو به همراه حجر بن عدی در مخالفت با سب علی بی‌ابی طالب علیه السلام قیام کرد و در این راه به شهادت رسید و سرش را از تن جدا کردند و برای معاویه فرستادند که از زمان نشر اسلام تا آن روز این نخستین سر یک مسلمان بود که از جایی به جای دیگر فرستاده شد (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۴/۱۴۱۵).

«در کتاب‌های حدیثی که یاران ما نوشته‌اند روایت‌ها و حدیث‌های بسیاری از سخنان و پندها و اندرزهای عمرو وجود دارد که نشان می‌دهد عمرو از کسانی بود که از کوشش علم و حکمت سیراب گشته بود و او را همین بس که درباره‌اش روایت کرده‌اند که از حواریون علی علیه السلام بوده است» (صدر، ۱۳۸۱، ۶۴۰).



۳. **عبید بن نضله خزاعی:** محدثی ثقه و پر حدیث بوده است. کنیه اش «ابو معاویه» است. او از عمر و عبدالله بن مسعود و علی علیه السلام درباره میراث روایت کرده است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۹۰/۵). عبید بن نضله قرآن را پیش عبدالله بن مسعود و علقمه خوانده است. گفته شده یحیی بن آدم می گفت: «از حسن بن صالح شنیدم که می گفت یحیی بن وثاب بر عبید بن نضله قرآن را خوانده است و عبید بن نضله بر علقمه خوانده است و علقمه بر عبدالله بن مسعود خوانده است و چه قرائتی استوارتر از این می توان یافت و گفته اند: عبید بن نضله به روزگار حکومت بشر بن مروان بر کوفه در آن شهر در گذشته است» (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۹۰/۵).

علاوه بر کسانی که نامشان آمد از اصحاب و یاران دیگر امام علی علیه السلام نیز می توان نام برد از جمله بریده بن حصیب أسلمی، زید بن حصین أسلمی، سلیمان بن سرد خزاعی، سلمه بن اکوع أسلمی، عمران بن حصین، عبدالرحمان بن بدیل بن ورقاء خزاعی، عقیل خزاعی، محمد بن بدیل ورقاء خزاعی، معاذ بن عمرو ن حمق خزاعی و ابوبرزه أسلمی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۸۳-۵۸).

راویان شیعی خزاعی در دوره امام صادق علیه السلام

عصر امام صادق علیه السلام، عصر گسترش علوم اهل بیت علیهم السلام در زمینه های مختلف بود و این به دلیل مصادف شدن بخشی از دوران امامت آن حضرت با فضای باز سیاسی بود که در نتیجه خلأ سیاسی ناشی از انقراض حاکمیت نیرومند امویان از یک طرف و روی کار آمدن بنی عباس از طرف دیگر به وجود آمده بود.

امام توجه شیعیان را به اهل بیت علیهم السلام جلب می کرد و آنان را از تمسک به احادیث دیگران باز می داشت و این امر مهمترین علت شکل گیری فقه شیعه به صورت مستقل و اصیل بود.

بی تردید در بقا و نشر آثار اهل بیت علیهم السلام، شاگردان و یاران باوفایی نقش داشتند که زندگی‌شان را وقف مکتب ولایت و امامت نمودند. این افراد در مقابل حوادث گوناگون در دفاع از حریم ائمه و گسترش فرهنگ دینی همت گماشتند که موجب پیدایش نهضت علمی عظیمی شد که محصول آن، چهار هزار شاگرد متخصص در رشته‌های گوناگون علوم بودند. به گونه‌ای که می‌توان دوران ۳۴ ساله امامت ایشان را که یکی از ادوار پرشکوه تاریخ تشیع به شمار می‌آید، عصر شکوفایی دانش، فقه، تفسیر، کلام، مناظره و حدیث و نیز شکوفایی تمدن اسلامی نامید.

۱. **حذیفه بن منصور خزاعی:** از اصحاب امام صادق علیه السلام بود (برقی، ۱۳۸۳، ۴۵) که از ابی عبدالله و ابی الحسن علیهم السلام روایت نقل کرده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ۵۰/۱). همچنین ابو حسین محمد بن عثمان و عبیدالله بن أحمد بن نهیک از او روایت نقل کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۴۸). شمار روایات او را پنجاه و هشت ذکر کرده‌اند (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲۱۴/۷).

۲. **عبدالخالق بن دینار خزاعی:** عبدالخالق از اصحاب مورد وثوق امام صادق علیه السلام بود (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۴۱).

۳. **نضر بن وراس خزاعی:** از یاران امام صادق علیه السلام و ساکن کوفه بود (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۱۵). از جعفر بن محمد خزاعی و جابر و محمد بن حسن شمون از او روایت شده است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱۲۶/۴).

۴. **محمد بن عذافر بن عیشم خزاعی:** وی از اصحاب امام صادق علیه السلام و اهل کوفه بود. برخی او را جزء اصحاب امام صادق علیه السلام و برخی جزء اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام می‌دانند (جوهری، ۱۴۲۴ق، ۵۵۰). او دارای کتاب و موثق است. احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن اسماعیل بن بزیع از او روایت نقل کرده‌اند. او نیز از ابی عبدالله علیه السلام روایت نقل کرده است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱۶/۲۸۰). شیخ صدوق بیان کرده

او زمان اندکی از دوران حضرت رضا علیه السلام را نیز درک کرده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۵۳۷/۶).

۵. محمد بن فضله خزاعی: شیخ طوسی از وی با عنوان اصحاب امام صادق علیه السلام یاد کرده است. در منابع تفسیری نیز از وی روایاتی به نقل از امام صادق علیه السلام ذکر شده است (طبرسی، بی تا، ۱۰۳/۹؛ تستری، ۱۴۱۹ق، ۹/۶۲۹؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ۶/۲۱۷).

۶. عذافر بن عیسی خزاعی: شیخ طوسی از وی به عنوان اصحاب امام صادق علیه السلام یاد کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۶۶). در منابع تفسیری نیز از او روایاتی به نقل از امام صادق علیه السلام ذکر شده است (طبرسی، بی تا، ۸/۱۹۹؛ نفرشی، ۱۴۱۸ق، ۳/۷۰۰).

۷. یحیی بن عبدالملک بن اَبی عتبه خزاعی: در کتب تفسیر و احادیث شیعه از او به عنوان یکی اصحاب و یاران امام صادق علیه السلام نام برده شده است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۲/۶۶).

علاوه بر این افراد اصحاب دیگری از جمله بریده بن حصیب اَسلمی که در دوره‌های قبل نیز از وی یاد کردیم، سعید بن سفیان اَسلمی، اَسید بن عیاض خزاعی، اَسعد بن عمرو اَسلمی، عمر بن دینار خزاعی، محمد بن خالد خزاعی و محمد بن بشر اَسلمی (متوفی سال ۳۰۸ق) را نیز می‌توان نام برد (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۱۲، ۲۵۵، ۲۷۸ و ۲۸۱).

تحلیل کلی آثار و کتب خزاعی‌ها

نام مؤلف	نام کتاب
احمد بن فضل خزاعی	کتاب نوادر
دعبل بن علی بن رزین	کتاب طبقات الشعراء - کتاب الواد فی مثالب العرب و المناقبها - کتاب دیوان
علی بن علی بن رزین	کتاب کبیر عن الرضا <small>علیه السلام</small>
حذیفه بن منصور خزاعی	دارای کتاب
محمد بن عذافر عیثم خزاعی	دارای کتاب



نتیجه

در بین قبایل معروف یمنی، خزاعه جایگاه ویژه‌ای در تحولات صدر اسلام و تاریخ تشیع داشته است. این قبیله در حوادثی که طی تطور تاریخ سیاسی شیعه رخ داده، نقش مؤثری در راستای اهداف و برنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام ایفا کردند. علاوه بر حوادث سیاسی، خزاعی‌ها در پیشبرد و اعتلای علوم اسلامی سهم بسزایی داشتند. بسیاری از روایان، محدثان، ادیبان، فقها، قاضی‌ها و شعرا و رجال نخبه سیاسی- نظامی منتسب به این قبیله بودند؛ لذا رجال و نخبگان خزاعی در بیشتر جریان‌های علمی، ادبی، فکری و اجتماعی حضوری فعال داشتند و در رشد و گسترش نشر احادیث شیعه نقش داشتند.

ارزیابی و بررسی نقش نخبگان این قبیله در رابطه با تشیع این مدعا را ثابت می‌کند که بافت فرهنگی- مذهبی و سیاسی قبیله خزاعه در حمایت و همراهی و تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام و دفاع از تشیع و گسترش معارف اهل بیت علیهم‌السلام اثرگذار بوده و روایان شیعی متعددی را در دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار از جمله امام علی علیه‌السلام، امام محمدباقر علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام به تعداد ۵۸ نفر در ارائه روایت از ائمه عرضه داشته‌اند. بخشی از این افراد از شاخهٔ اسلمی خزاعه هستند که نقش مؤثری در انتقال علوم اسلامی داشته‌اند.



منابع

۱. ابن اعثم، ابو محمد، **الفتوح**، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.
۲. ابن ابى حاتم، عبدالرحمان، **الجرح و التعديل**، بيروت، داراحياء التراث العربى، ۱۳۷۳ش.
۳. ابن اثير، ابوالحسن على بن محمد جزرى، **اسد الغابه فى معرفه الصحابه**، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن حزم اندلسى، ابى محمد على بن احمد بن سعيد، **جمهره انساب العرب**، تحقيق لجنة من العلماء بيروت، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۳ق.
۵. ابن حبان، محمد، **الثقات**، حواشى ابراهيم شمس الدين، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن حبان، **الثقات**، حيدرآباد هند، مؤسسه الكتب العثمانيه، ۱۳۹۳ش.
۷. ابن حزم، ابو محمد على بن احمد، **اسماء الصحابه الرواه**، تحقيق حسن كسروى، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۲ق.
۸. ابن حجر، احمد بن على، **الاصابه فى تمييز الصحابه**، تحقيق عادل احمد عبدال موجود و ديگران، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۹. ابن كلبى، ابى المنذر هشام بن محمد، **الاصنام**، تحقيق احمد زكى پاشا، قاهره، بى نا، ۱۹۲۴ق.
۱۰. ابن كلبى، ابى منذر هشام بن محمد بن السائب، **النسب معد و اليمن الكبير**، تحقيق و خط و مشجرات محمود فردوس العظم، قراءه رياض عبدالحميد، دمشق، داراليقظه العربيه، ۱۹۳۹م.
۱۱. ابن طاووس، **اللهوف**، ترجمه عليرضا رجائى تهرانى، بى جا، نشر نبوغ، بى تا.
۱۲. ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، دراسه و تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۰ق.



١٣. ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب**، تحقیق یوسف بقاعی، الطبعة الثانية، بیروت، داراضواء، ١٤١٢ق.
١٤. ابن عساکر، علی بن الحسن، **تاریخ مدینه الدمشق**، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ق.
١٥. ابن فهد، عمر بن محمد، **إتحاف الوری بأخبار أم القرى**، تصحیح فهیم محمد شلتوت، مکه مکرمه، جامعه ام القرى، معهد البحوث العلمیه و احیاء التراث الاسلامی، ١٤٠٣ق.
١٦. ابن قتیبه، ابی محمد عبدالله بن مسلم، **المعارف**، حققه و قدم له دكتور ثروت عکاشه، مصر، هیئة المصریه العامه للكتاب، ١٩٩٢م.
١٧. ابن قانع، عبدالباقی، **معجم الصحابه**، تحقیق صلاح بن سالم مصراتی، مدینه منوره، مکتبه الغرباء الاثریه، ١٤١٨ق.
١٨. ابن عبدالبر، عبدالله بن محمد بن عبدالبر، **الاستیعاب فی معرفه الاصحاب**، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دارالجيل، ١٤١٢ق.
١٩. ابن غضائری، احمد بن حسین، **رجال ابن غضائری**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٣٦٤ق.
٢٠. ابن منظور، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ١٩٩٠م.
٢١. ابن هشام، ابی محمد عبدالملک، **السيره النبویه**، حقق اصولها و فصولها و کتب مقدماتها و ضبط الفاظها و وضع فهارسها عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجيل، ١٤١٨ق.
٢٢. ابن یونس، عبدالرحمان، **تاریخ المصریین**، تحقیق عبدالفتاح فتحی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢١ق.
٢٣. ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، **سنن**، تحقیق سید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، ١٤١٠ق.
٢٤. اردبیلی، محمد بن علی، **جامع الرواه**، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی مرعشی، ١٤٠٣ق.

٢٥. ازرقى، ابى الوليد محمد بن عبدالله بن احمد، **اخبار مكّه شرفها الله و تعالى و ما جاء فيها من الآثار**، رواه ابى محمد اسحاق بن احمد بن اسحاق ابن نافع الخزاعى، بى جا، مطبع المدرسه المحروسه، ١٢٧٥ق.
٢٦. ابو نعيم، احمد بن عبدالله، **معرفة الصحابه**، تحقيق عادل بن يوسف الغزازى، رياض، دارالوطن للنشر، ١٤١٩ق.
٢٧. امين، محسن، **ايمان الشيعة**، تحقيق حسن امين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، بى تا.
٢٨. امينى، **الغدِير**، لبنان، دارالكتاب العربى، بى تا.
٢٩. بحشل، اسلم بن سهل، **تاريخ واسط**، تصحيح كوركيس عواد، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٦ق.
٣٠. برقى، احمد بن ابى عبدالله، **كتاب الرجال**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٨٣ش.
٣١. براقى النجفى، حسين بن سيد احمد، **تاريخ كوفه**، تحقيق ماجد بن احمد العطيه، بيروت، مكتب الحيدريه، ١٤٢٤ق.
٣٢. بلاذرى، احمد بن يحيى جابر، **الانساب الاشراف**، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٧ق.
٣٣. نفرشى، **نقد الرجال**، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٨ق.
٣٤. تسترى، محمد تقى، **قاموس الرجال**، قم، مؤسسه نشر الاسلامى، ١٤١٠ق.
٣٥. تسترى، شيخ محمد تقى، **قاموس الرجال**، قم، مؤسسه نشر اسلامى تابعه لجماعه المدرسين، ١٤١٩ق.
٣٦. حرعاملى، **وسائل الشيعة**، تحقيق محمدرضا جلالى، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث بقم المشرقه، ١٤١٤ق.
٣٧. حازمى همدانى، محمد بن موسى، **عجالة المبتدى و فضاله المنتهى فى النسب**، قاهره، چاپ عبدالله كنون، ١٩٦٥م.



۳۸. حسین هاشمی، زهرا، منتظرالقائم، اصغر، بوسعیدی، فرشته، «قبیله خزاعه و نقش سیاسی- اجتماعی آن در آغاز گسترش اسلام»، **میقات حج**، دوره ۲۹، ش ۱۱۳، پاییز ۱۳۹۹ش، صص ۲۲۵-۱۹۷.
۳۹. حمیدالله، محمد، **نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام**، ترجمه سید محمد حسینی، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش.
۴۰. حمّور، عرفان محمد، **مواسم العرب: المواسم الثقافیه و التجاریه و الدینیه و الطبیعیه**، بیروت، دارالطباعه، ۱۴۲۷ق.
۴۱. جواهری، محمد، **المفید من معجم رجال الحدیث**، قم، مکتبه المحلاتی، ۱۴۲۴ق.
۴۲. خطیب، محب الدین، **عهد جرهم من مکة من القرن السادس و العشرين قبل الهجره الی سنه ۵۴۲۹**، بی‌جا، الزهراء، ۱۳۴۷ق.
۴۳. خلیفه بن خیاط، ابی عمرو، **الطبقات**، تحقیق سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴۴. خوئی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث**، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۴۵. **دائرة المعارف تشیع**، زیر نظر احمد صدرحاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی، تهران، دائرة المعارف تشیع با همکاری شرکت نشر یادآوران، ۱۳۷۱ش.
۴۶. **دانشنامه سیره نبوی، صحابه رسول خدا ﷺ**، گروه تاریخ، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۴۷. دینوری، ابی حنیفه احمد بن داوود، **اخبار الطوال**، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه دکتور جمال‌الدین شیال، قم، داراحیا التراث العربی، ۱۹۶۰م.
۴۸. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، **تجرید أسماء الصحابه**، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

۴۹. رازی، ابن مسکویه، **تجارب الامم**، تحقیق ابوالقاسم الامامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
۵۰. شراب، محمد محمدحسن، **المعالم الأثیره فی السنه و السیره**، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۱ق.
۵۱. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، **نیل الاوطار من احادیث سید الاخبار**، بیروت، دارالجمیل، ۱۹۷۳م.
۵۲. شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان، **الجمال**، تحقیق سید علی میر شریفی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۶ق.
۵۳. شیخ صدوق، **الخصال**، قم، دفتر نشر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۵۴. شیخ صدوق، **من لا یحضره الفقیه**، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ش.
۵۵. شیخ طوسی، **رجال طوسی**، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی لجماعه مدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۵ق.
۵۶. صدر، سید حسن، **شیعه بنیان گذاران فرهنگ اسلام**، ترجمه علی مشتاق عسگری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۵۷. طباطبایی، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۵۸. طبرسی، میرزا حسین نوری، **خاتمه المستدرک**، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
۵۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الكبير**، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
۶۰. عسقلانی، ابن حجر، **فتح الباری بشرح صحیح البخاری**، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.



٦١. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، **الاصابه في تمييز الصحابه**، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
٦٢. عزیزی حسین، رستگار، پرویز، بیات، یوسفی، **راویان مشترک، پژوهشی در بازشناسی راویان مشترک شیعه و اهل سنت**، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٨٠ش.
٦٣. عامری ناصری، احمد، **الاصول الیمنیه فی قبائل العربیه و رجالها**، بیروت، دارالتراث، ١٤٢٧ق.
٦٤. علامه حلی، **رجال علامه الحلی**، قم، دارالذخائر، ١٤١١ق.
٦٥. قلقشندی، ابی العباس احمد، **نهایه الارب فی معرفه الانساب العرب**، تحقيق ابراهیم الایاری، لبنان، دارالکتاب لبنانی، ١٤١١ق.
٦٦. قلقشندی، ابی العباس احمد، **قلائد الجمان فی التعریف بقبائل عرب الزمان**، قاهره، چاپ ابراهیم ایاری، ١٤٠٢ق.
٦٧. قمی، شیخ عباس، **الکنى و الالقاب**، نجف، المطبعه الحیدریه، ١٩٦٩م.
٦٨. کحاله، عمر رضا، **معجم قبائل العرب**، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعه السابعه، ١٤١٤ق.
٦٩. کشی، محمد بن عمر، **رجال کشی**، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ١٣٤٨ش.
٧٠. مازندرانی، شیخ محمد بن اسماعیل، **منتهی المقال فی احوال الرجال**، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ١٤١٦ق.
٧١. محسن امین، **أعیان الشیعه**، تحقیق و تخریج حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ١٣٧١ق.
٧٢. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ١٣٨٥ق.
٧٣. مزّی، ابوالحاج یوسف، **تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**، تحقیق سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ١٤١٤ق.

۷۴. منظرالقائم، اصغر، حسین هاشمی، زهرا، بوسعیدی، فرشته، «نقش سیاسی_ نظامی کنشگران قبیله خزاعه در دوره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام»، **سیره پژوهی اهل بیت**، سال چهارم، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش، صص ۸۰-۶۵.
۷۵. منظرالقائم، اصغر، **نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت علیهم السلام**، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰ش.
۷۶. مرزوقی، احمد بن محمد، **الازمنه و الامکنه**، بیروت، چاپ خلیل منصور، ۱۴۱۷ق.
۷۷. نجاشی، احمد بن علی، **رجال نجاشی**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۷۸. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۷۹. همدانی، ابی محمد الحسن بن احمد بن یعقوب، **صفه الجزيرة العرب**، تحقیق محمد بن علی الاکوع، بغداد، دارالشوون الثقافیه، ۱۹۸۹م.
۸۰. یعقوبی، **تاریخ یعقوبی**، نجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۸ش.

